
پرسش ها و پاسخ ها
پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدّمات؛ عقل

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش نویسنده: عارف عابدینی تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

تفاوت عقل و فطرت در چیست؟ آیا با تمسک به فطرت هم می‌توان حق را از باطل تشخیص داد؟ آیا فطرت، خاصّ انسان است؟

پاسخ تاریخ: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰

لطفاً به نکات زیر توجّه فرمایید:

۱ . عقل، نیروی ادراک و تمییز است و فطرت، طبیعت انسان که خداوند او را بر آن آفریده؛ چنانکه فرموده است: ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ﴾[۱]؛ «فطرت خداوند که مردم را بر آن آفرید، برای آفرینش خداوند تغییری نیست». بنابراین، فطرت اعمّ از عقل است و ساختار، غرایز، ادراکات و گرایش‌های طبیعی انسان را در بر می‌گیرد و او را به موجودی مستعدّ کمال تبدیل می‌کند.

۲ . عقل از فطرت جدا نیست، بلکه جزئی از آن است. عقل فطرت را می‌شناسد و از شناخت آن برای شناخت حق و باطل بهره می‌برد. از نظر عقل، کاری که با فطرت انسان یعنی با ساختار، غرایز، ادراکات و گرایش‌های طبیعی او منافات دارد، بد محسوب می‌شود، در حالی که فطری بودن یک کار به معنای طبیعی بودن آن، نشانه‌ی خوب بودن آن است. فطرت انسان، «حنیفیّة» است؛ یعنی خداجو و حقگرا است و از این رو، خداوند آن را «دین قیّم» نامیده و فرموده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾[۲]؛ «پس روی خود را به سوی دین حنیف بگردان، فطرت خداوند که مردم را بر آن آفرید،

۱ . الرّوم/ ۳۰
۲ . الرّوم/ ۳۰

برای آفرینش خداوند تغییری نیست، آن همان دین قیّم است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». فطرت انسان، به سوی خوبی مایل است و از بدی نفرت دارد؛ زیبایی، تناسب و هماهنگی را می‌پسندد و از زشتی، عدم تناسب و ناهماهنگی بیزار است؛ بقا، کمال و سعادت را دوست می‌دارد و از فنا، نقصان و شقاوت می‌گریزد. این طبیعت انسان است که با آن زاده می‌شود، ولی غالباً تحت تأثیر خانواده و جامعه رنگ می‌بازد؛ چنانکه رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرموده است: «كُلُّ مَولُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَواهُ يُهَوِّدانِهِ أَوْ يُنَصِّرانِهِ أَوْ يُمَجِّسانِهِ»[1]؛ «هر نوزادی بر فطرت زاده می‌شود، پس پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی یا زرتشتی می‌کنند».

۳. فطرت به معنای ساختار، غرایز، ادراکات و گرایش‌های طبیعی، خاصّ انسان نیست؛ زیرا هر جنبنده‌ای در جهان با ساختار، غرایز، ادراکات و گرایش‌هایی طبیعی آفریده شده است که او را به سوی کمالش هدایت می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾[2]؛ «(موسی) گفت: پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینشش را داد، سپس (آن را) هدایت کرد»، ولی مسلّماً فطرت انسان از فطرت سایر جنبندگان برتر است؛ همچنانکه عقل او بر عقل آن‌ها برتری دارد و این چیزی است که او را بر آن‌ها مسلّط ساخته است.



۱. مسند أحمد، ج۲، ص۳۹۳؛ صحيح البخاري، ج۲، ص۹۷؛ صحيح مسلم، ج۸، ص۵۲؛ سنن أبي داود، ج۲، ص۴۱۶؛ سنن الترمذي، ج۳، ص۳۰۳

۲. طه/ ۵۰